

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق  
۰۱ سپتمبر ۲۰۲۲



محمد محق

## خروج آخرین سرباز امریکائی از افغانستان، کدام افتخار؟

طالبان سالگرد خروج آخرین سرباز امریکائی از افغانستان را افتخارکنان جشن گرفتند. در کشور ما افتخارات کاذبی به نام خروج آخرین سرباز انگلیس، خروج آخرین سرباز روس، و خروج آخرین سرباز امریکا، مورد تجلیل قرار گرفته است، و احتمالاً در آینده خروج آخرین سرباز چین نیز به این سیاهه افزوده خواهد شد. بیش‌تر از صد سال است که این خروج و دخول‌ها ادامه داشته است، بی آن‌که ما از جایگاه خود به عنوان یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان تکانی بخوریم و دیگر کشورهای همانند ما در همین فاصله زمانی از جهان سوم به جهان دوم و شماری به جهان اول ارتقاء کردند.

آزادی و آزادی‌های هنگامی معنا می‌یابد که به عزت و سربلندی بینجامد، نه فلاکت و سیه‌روزی مستمر. خروج سربازان بیگانه می‌توانست افتخاری راستین باشد اگر وابستگی ما به دیگران پایان می‌یافت، دست‌گدائی ما به پیشگاه آشنا و بیگانه دراز نمی‌بود و ما به نام زن ستیزترین، فاسدترین، افسرده‌ترین، و بی‌سرنوشت‌ترین مردم جهان صدرنشین نمی‌شدیم.

آن سوی مرزهای جنوبی ما، کشورهایی که روزی مستعمره بریتانیای کبیر بودند توانستند در خلال آن دوره بر مرارت‌های ناشی از حاکمیت استعمار چیره شوند و بخشی از دانش، تکنالوجی و مهارت‌های عصری آن را فراگیرند. زیرساخت‌های ملکی و نظامی کشورهای هند و پاکستان از همان دوره است و اگر در کاری موفق هستند ریشه‌اش به همان جا بر می‌گردد. در شمال ما، کشورهایی که مدت‌های طولانی بخشی از قلمرو امپراتوری روسیه تزاری و سپس اتحاد جماهیر شوروی بودند، توانستند با استفاده از دانش و امکاناتی که از آن راه به دست می‌آمد به سر و سامانی برسند. امروزه شهروندان هیچ یک از این کشورها نیاز ندارند که برای تداوی یک بیماری عادی روزها به دروازه سفارت‌ها و قونسلگری کشورهای بیگانه صف‌های دور و دراز تشکیل بدهند و با احساس ذلت و حقارت راهی کشورهای همسایه باشند.

ملت‌هایی که از زندان خیالات پوچ، شعارهای دروغین، ادعاهای بی‌معنا و توهمات پنج هزار ساله خود آزاد نمی‌شوند، محکومند که نسل اندر نسل در فلاکت، فقر، بیماری، گدائی و درماندگی دست و پا بزنند. این آسان است که همیشه خود را قربانی توطئه‌های بیرونی، و تمام دنیا را مشغول دسیسه‌چینی به ضد خود بینگاریم. با این خودفریبی کودکانه و بلاهت‌بار می‌توان چندین نسل دیگر هم به سر کرد بی آن‌که از شمار آوارگان ما کاسته شود، اقتصاد ما رونقی بگیرد، یا امنیت ما تداومی پیدا کند. ما گویا افسون شدگان روی زمینیم که باید همه چیز را معکوس بشنویم و وارونه بفهمیم. اگر قرار باشد روزی را جشن بگیریم آن روزی خواهد بود که آخرین مزدور استخباراتی از این کشور کوچ کند، با ایدئولوژی‌های راست و چپی که این وطن را به ویرانی کشیدند، از کمونیستی تا اخوانی، دیوبندی، سلفی، و تحریری؛ روزی که ما خود عقلی برای اندیشیدن و اراده‌ای برای انتخاب کردن پیدا کنیم. آن آزادی که سزاوار جشن گرفتن است آزادی از استبداد، جهل، فقر، تفرقه، و محرومیت است. سرآغاز این جشن روزی خواهد بود که به جای رجزخوانی‌های مضمّن کننده به نقد خویشتن همت کنیم و برای به رسمیت شناختن خطاهای خود دلیری نشان بدهیم. سیطره یک گروه مافیائی بر کشور اما جای تجلیل ندارد.